واکنش معاون وزیر کار به ادعای قالیباف در گفت‌وگو با «شرق»:

مثل برخی یک‌شبه نمی‌توانیم انبوهی شغل ایجاد کنیم

منصوری با کذب خواندن ادعای زاکانی، با طرح یک پرسش او را به چالش کشید

عکس: رنوفه رستمی، شرق

شرق، شکوفه حبیب‌زاده: یکی از شعارهای دم انتخابات، حول محور اشتغال و بی‌کاری می‌چرخد؛ اینکه دولت آمارسازی کرده و میزان اشتغال آن چیزی نیست که بیان می‌کند. استناد منتقدان به آمارهای مرکز آمار است، می‌گویند میزان اشتغال‌زایی به‌طور متوسط ۳۵۰ هزار شغل در سال است و نه رقمی که دولت ادعا می‌کند، اما عیسی منصوری، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار، در گفت‌وگو با «شرق» از عملکرد دولت در این حوزه دفاع می‌کند: «چون داده‌های مرکز آمار از طریق پرسش‌نامه به‌صورت فصلی و نهایتا سالانه گردآوری می‌شود، دوستان می‌توانند تشکیک کنند... نکته‌ای که وجود دارد این است که سال ۹۳ عدد اشتغال پایین بوده و عملا سه سال پراشتغال داشتیم و اگر چهار سال را میانگین بگیریم، سالانه برای حدود ۴۸۰ هزار نفر شغل ایجاد شده است». او تأکید می‌کند که در سال‌های رکود، شغل ایجاد شده که همین امر هم سبب شده ایران در بین شش کشور جهان از منظر نسبت ایجاد اشتغال با جمعیت قرار بگیرد. منصوری خطاب به منتقدان می‌گوید: «اینکه بلافاصله بعد از اینکه دولت، مسئولیتی را قبول کرد نتوانسته با یک کلید یا آمپول همه مسائل را حل کند، بدیهی است. باوجود همه ادعاهایی که در دوره‌های انتخاباتی مشاهده می‌کنیم، واقعیت این است که عملا با هیچ آمپولی نمی‌شود خسرانی را که به‌ویژه در دوره دوم دولت گذشته از نظر اقتصادی اتفاق افتاد به‌سادگی جمع کرد». او همچنین با رد ادعای علیرضا زاکانی، منتقد شناخته‌شده اصولگرا، درباره افزایش تعداد کودکان کار در دولت روحانی، می‌گوید: «این گفته به‌هیچ‌وجه موضوعیت ندارد و ایشان هم یقینا مبتنی‌بر هیچ داده رسمی‌ای سخن نگفته‌اند. درغیر این صورت عدد اعلام می‌کردند. هرکسی می‌تواند ادعایی کند، اگر ایشان داده‌ای از مرجع رسمی دارند بیایند بحث کنند».

اگر بخواهیم تصویری از وضعیت اشتغال کشور داشته باشیم، اکنون در چه شرایطی قرار داریم؟

نکته اول این است که مبنای ارزیابی ما از وضعیت اشتغال کشور داده‌های مرکز آمار است اگرچه این آمارها را با داده‌های سازمان تأمین اجتماعی یا داده‌های دیگری که داریم، بررسی تطبیقی می‌کنیم. براساس داده‌های مرکز آمار از سال ۹۳، نرخ مشارکت مردم را می‌بینیم که برخلاف روند قبل، یکباره رو به افزایش رفته. به این معنی که سالانه به‌طور متوسط یک میلیون نفر، جمعیت تازه‌وارد به بازار کار داریم. در یک سال منتهی به تابستان ۹۵، این عدد حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بود. در همین سال‌ها، توانسته‌ایم سالانه برای حدود ۷۰۰ هزار نفر به‌طور متوسط شغل ایجاد کنیم. به این معنی که از روند جمعیت وابسته به بازار کار عقب هستیم. مقداری انبارش نیروی جویای کار از قبل داشتیم که آرام‌آرام وارد می‌شوند، تعدادی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی داریم، مشارکت اقتصادی زنان هم به شدت بالا رفته و این عوامل باعث شده نرخ مشارکت به این صورت خودش را نشان دهد. به‌عنوان مثال نزدیک به ۷۵ درصد افرادی که در سال ۹۵ شاغل شده‌اند، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده‌اند. ۶۸ درصد از این ۶۱۶ هزار نفر شاغل‌شده، خانم‌ها بوده‌اند. به این سیگنال‌ها باید به صورت جدی توجه کنیم. نوع فرصت‌های شغلی که در کشور ایجاد می‌شود، در درازمدت نباید از جنس مشاغل با درآمد پایین باشد. این نکته مهمی است. مشاغلی که در دو، سه سال اخیر ایجاد شدند، به دلیل اینکه ظرفیت صنعت کارخانه‌ای‌مان از سیاست‌های اقتصادی کاملا غلط قبل، متأثر بود، ماهیتا بخش درخوراعتنایی در بخش خدمات و در بخش غیررسمی بوده و با وجود اینکه شغل داشتیم اما باید بپذیریم بخشی از این مشاغل، درآمد بالایی نداشتند. اما به‌هرحال در کنار اینکه نرخ مشارکت اقتصادی افزایش پیدا کرده، جمعیت فعال ما از ۲۳ میلیون به ۲۵.۷ میلیون و جمعیت شاغل هم به حدود ۲۳ میلیون نفر رسیده است، اینکه جمعیت شاغل ما با سرعتی که مطلوب ماست افزایش پیدا نمی‌کند، همه اینها نقاط نگرانی ماست، اما وجه مثبت کار این است که این جمعیت شاغل‌شده ۷۰۰ هزارنفره در سال به نسبت جمعیت کشور، ما را از منظر تعداد شغلی که در کشور ایجاد شده، در زمره شش کشور اول دنیا قرار می‌دهد و این حجم از ورود به بازار کار کمتر سابق دارد. مهم آن است که دولت با تشخیص درست اینکه به دلیل رکود تورمی و مختصات دوره‌های پس از رکود نمی‌توان انتظار داشت که اشتغال صنعتی ایجاد شود، علاوه بر حمایت از بخش صنعت به اشتغال در بخش خدمات و بنگاه‌های خرد توجه کرد. نتیجه هم مثبت بود و در گزارشات مشخص است.

اما برخی منتقدان نقدهایی را به آمار اعلامی شما وارد کرده‌اند. آنها می‌گویند طبق آمارهای مرکز آمار، شغل‌های ایجادشده در سال ۷۰۰ هزار شغل نیست بلکه حدود ۳۵۰ هزار شغل است. توضیح دهید این آمار چه می‌گوید؟

اگر توافق داریم جایی به نام مرکز آمار مرجع همه در داده‌های ملی است، می‌توانیم این مسئله را تحلیل کنیم. در سال ۱۳۹۲ میزان اشتغالی که ایجاد شده، براساس همان استانداردهایی که قبلا هم وجود داشته، حدود ۷۰۰ هزار نفر بوده، در سال ۱۳۹۳ عدد اعلام‌شده ایجاد اشتغال بالا نبوده، در سال ۱۳۹۴، این میزان، ۶۶۷ هزار نفر بوده و در سال ۱۳۹۵، ۶۱۶ هزار نفر. چون داده‌های مرکز آمار از طریق پرسش‌نامه به‌صورت فصلی و نهایتا سالانه گردآوری می‌شود، دوستان می‌توانند تشکیک کنند اما ما معمولا داده‌های مرکز آمار را با داده‌های سازمان تأمین اجتماعی در فرایندی چک می‌کنیم و معمولا این داده‌ها مؤید هم هستند. نکته‌ای که وجود دارد این است که سال ۹۳ عدد اشتغال پایین بوده و عملا سه سال پراشتغال داشتیم و اگر چهار سال را میانگین بگیریم، سالانه حدود ۴۸۰ هزار نفر شغل ایجاد شده است. از قضا در دوره رکود که شغل ایجاد نمی‌شود، رکودی بوده که به ما ارث رسیده بود. مثلا پس از بحران ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، وقتی کشورهای اتحادیه اروپا دوباره به حرکت افتادند، تا سه سال بعد از آن همچنان رکود در اشتغال وجود داشت. یعنی همچنان بی‌کاری زیاد بود و اشتغال ایجاد نمی‌شد و به‌هرحال نرخ اشتغال منفی بود. بااین‌حال در ایران با وجود اینکه رکود داشتیم، بعد از سال ۹۳، در سال‌های ۹۴ و ۹۵ اشتغال وجود داشت. بنابراین درحالی‌که رشد اقتصادی خیلی بالایی نداشتیم یا اینکه حتی رشدی هم که داشتیم از جنسی نبود که اشتغال ایجاد کند اما در کشور اشتغال ایجاد شد و این قابل دفاع است و ما را جزء یکی از پنج، شش کشور دنیا قرار می‌دهد که به نسبت جمعیتمان این میزان اشتغال ایجاد کرده‌ایم. به‌هرحال همه اینها فارغ از داوری بد یا خوب، نشان‌دهنده این است که با یک وضعیت ویژه و متفاوت در کشور مواجه و نیازمند سیاست‌گذاری متفاوتی هستیم. معنی‌اش این است که به سیاق و قاعده مرسوم سنتی سیاست‌گذاری در کشور نمی‌شود مسئله اشتغال را حل کرد. مسئله این است که سیاست‌گذاران ما درباره اینکه مسئله اشتغال یک مسئله جدی و بغرنج در کشور است، به اجماع رسیده‌اند. اما اینکه در عمل روش ایجاد اشتغال به چه ترتیب باشد، باید دقت کنیم که با روش‌های جدید مبتنی بر تجربه و دانش روز دنیا کار کنیم. متأسفانه در روزهای نزدیک به انتخابات به دلیل فضای رقابتی گاهی طرح‌هایی ارائه می‌شود که بیش از هر چیز نشان‌دهنده فاصله‌داشتن از جریان تجربه بشری است. این مایه نگرانی جدی است. بدیهی است که در دوره رقابت حرف‌هایی زده شود، اما اتفاقا همین نشان می‌دهد که بخشی از نخبگان سیاسی کشور اطلاعی از جریان دانش و تجربه بشری روز در این حوزه ندارند.

یعنی باید فرضا بخش صنعت رشد کند و اشتغال در پی آن ایجاد شود؟ اشتغال را دنباله‌رو می‌دانید؟

بدیهی است که بازار کار، بازار مشتقه است ولی در کشورهای دیگر دنیا که موفق عمل می‌کنند، پذیرفته‌اند که اشتغال به‌عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی شناخته شود. به‌عنوان مثال کشورهای عضو G۲۰، برخلاف روال گذشته در سال ۲۰۱۵، دقیقا یکی از توصیه‌های سیاستی اصلی‌شان مسئله اشتغال است؛ درحالی‌که در گذشته اصلا اشتغال جزء توصیه‌هایشان نبوده. بخش زیادی در جامعه ما همچنان فکر می‌کنند باید سرمایه‌گذاری صورت گیرد و نقش دولت هم این است که وام یارانه‌دار بدهد تا مسئله اشتغال حل شود، بخشی هم که متأسفانه به رقابت برای توزیع پول برای ایجاد اشتغال افتاده‌اند. این قطعا جواب نمی‌دهد.

> **اگر توافق داریم جایی به نام مرکز آمار مرجع همه در داده‌های ملی است، می‌توانیم این مسئله را تحلیل کنیم. در سال ۱۳۹۲ میزان اشتغالی که ایجاد شده، براساس همان استانداردهایی که قبلا هم وجود داشته، حدود ۷۰۰ هزار نفر بوده، در سال ۱۳۹۳ عدد اعلام‌شده ایجاد اشتغال بالا نبوده، در سال ۱۳۹۴، این میزان، ۶۶۷ هزار نفر بوده و در سال ۱۳۹۵، ۶۱۶ هزار نفر**

درباره اینکه راه‌حل این نیست، آیا با نخبگان سیاستی بحث داشته‌اید؟

بله. باید بپذیریم بخش عاقل جامعه سیاست‌گذاری کشور به‌تدریج به این امر وقوف و به آن توجه کرده است و به‌تدریج در حال به‌کارگیری ابزارهای سیاستی مربوطه است.

یعنی چطور؟

ببینید به‌طور بدیهی وقتی دولت تحویل گرفته شد و با بحران رشد منفی شش‌درصدی در اقتصاد کشور مواجه بودیم، نخست باید خون‌ریزی بیمار را متوقف می‌کردیم. یعنی از بحران خارج می‌شدیم و تمرکز می‌کردیم بر افزایش رشد و تولید ملی. بنابراین اولویت این بود. در این دوره هم ظرفیت خاص و بالایی در ایجاد اشتغال در بخش رسمی و صنعتی بزرگ وجود ندارد. تمرکز گذاشته شد بر اشتغال‌های خرد و غیررسمی و خوشبختانه جواب هم داد. در مشخصات اشتغال ایجادشده در کشور هم کاملا مشهود است. اما اکنون وقت آن است که به اشتغال با گستره و ظرفیت توسعه‌ای و صنعتی در بستر اتصال به بازار جهانی فکر کنیم. با همین فرض‌ها و پیش‌بینی‌ها در برنامه ششم و همین‌طور بودجه ۹۶ قواعدی را پیش‌بینی کردیم که متناسب با این مختصات است. مثلا در پیشنهادی که در بودجه سال ۹۶ داشتیم، تخصیص هزار میلیارد تومان برای کمک‌های فنی، اعتباری، نهادسازی، تعریف و پیاده‌سازی سازوکارهای موردنیاز برای ایجاد اشتغال را درخواست کرده بودیم.

نمی‌توان در این رابطه اختیاراتی را برای مسئولان در وزارت کار قائل شد؟

دقیقا پیشنهاد اولمان از طرف دولت همین بود. اما هرچه در کشور اتفاق می‌افتد، باید در قالب مصوبه یا چارچوب برنامه یا بودجه باشد. به‌همین‌دلیل نیز در ابتدای سال جاری و پس از ارائه یک بسته سیاستی اشتغال از سوی وزارت که در چارچوب رویکرد تولید-اشتغال حضرت آقا بود، علاوه بر مسئولیت دبیری شورای عالی اشتغال، مسئولیت کارگروه اشتغال ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی هم به وزیر محترم کار واگذار شد.

با این اوصاف سال ۹۶ منتظر دیدن دستاوردها باشیم؟

در هیچ‌کدام از برنامه‌های پنج‌ساله گذشته بعد از انقلاب چیزی به نام سیاست اشتغال نداشته‌ایم. این یکی از نکات مثبت است که اتفاق افتاده و این اجماع حاصل شده که به اشتغال هم بپردازیم. بنابراین در برنامه ششم ذیل ماده ۴ بندی داریم که دولت را موظف می‌کند در سال اول برنامه، سند ملی اشتغال را آماده کند. در برنامه گذشته چنین چیزی نبود. بنابراین این فرصت وجود دارد که سند ملی اشتغال را به‌گونه‌ای تنظیم کنیم که جهت درست را پیدا کند و بودجه‌های سالانه را براساس این سند تنظیم کنیم و جهت دهیم. تا پایان سال آینده برای این کار وقت داریم ولی از الان دوستانمان شروع به کار کرده‌اند. این کار را با سازمان برنامه و بودجه به صورت مشترک انجام می‌دهیم. همچنین یک برنامه ویژه اشتغال تنظیم کرده‌ایم که با همکاری دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی اما با روشی غیر از توزیع وام و مبتنی بر اصول علمی به اجرا در می‌آید. دولت محترم هم آن را تصویب کرده است. الان داریم با دستگاه‌ها و نهادها در جزئیات توافق می‌کنیم. در این بسته نه از روش‌های سنتی که وام توزیع کنیم، خبری هست و نه از نکات شعاری غیرواقعی که در روزهای اخیر باب شده است. سعی شده که علمی و واقع‌گرا در قالب رشد فراگیر اشتغال‌زا و ضدفقر که تأویل ما از رویکرد تولید-اشتغال در سال جاری است، کار کنیم.

مسئله اینجاست که سال آینده دولت تغییر می‌کند.

به‌هرحال این بخشی از نظام اجرائی و قواعد بازی در کشور است. ما کوشش می‌کنیم در اولین فرصت این سند را آماده کنیم. تأکید مجلس محترم هم این بوده که در این سند لحاظ شود که در برنامه ششم سالانه ۰.۸ درصد کاهش نرخ بی‌کاری داشته باشیم. این فرصتی برای ماست که بتوانیم تا حدی مسائل را حل کنیم. برای کاهش این دست از نگرانی‌ها که بجا هم هست، علاوه بر ایجاد اجماع در دولت، سعی کردیم با قوای دیگر هم رایزنی کنیم. مثلا همین هفته، جلسه غیرعلنی در مجلس محترم شورای اسلامی داشتیم تا به صورتی کارشناسی و به دور از فضای نمایش یا تحت تأثیر انتخابات گفت‌وگو شکل بگیرد و خوشبختانه دستاورد خوبی هم داشتیم. البته در این فرایند مسائلی هم پیش می‌آید که طبیعی است و نباید خیلی به این مسائل توجه کرد.

ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

دروغ‌گویی یا کلاهبرداری سیاسی

بهروز هادی‌زنوز
اقتصاددان

• یکی از مسائلی که در اولین مناظره کاندیداهای ریاست‌جمهوری مطرح شد، در رابطه با افزایش یارانه سه دهک نخست درآمدی بود. دولت هم‌اکنون هم به‌زحمت این ۴۵هزار و ۵۰۰ تومان را به افراد موجود در فهرست می‌پردازد. در این شرایط که قیمت نفت هم به‌یک‌دوم قیمت نفت در دوران احمدی‌نژاد رسیده، سخن از سه‌برابرکردن یارانه‌ها فراتر از افراد کم‌بضاعت و به سه دهک، قدری گزافه‌گویی است. سه‌برابرکردن یارانه سه دهک اول، حتی اگر ۷۰ درصد یارانه مردم را حذف کنید، مثل همان است که به همه همان ۴۵هزار و ۵۰۰ تومان را بپردازیم. اگر دولت اقدام به حذف یارانه افراد توانمند هم نکند، نمی‌تواند این افزایش یارانه را تأمین کند. در عین حال اگر یارانه‌ها حذف شود، با این منوال، نارضایتی بین اقشار متوسط به همراه دارد. وقتی آقای روحانی روی کار آمد، از روز نخست این موضوع مطرح شد که فقط این یارانه به گروه‌های کم‌بضاعت زیرمجموعه کمیته امداد و گروه‌هایی از این دست پرداخت شود. در این راه، تعدادی از یارانه‌بگیران که نیازی به این یارانه نداشتند، از سوی وزارت کار حذف شدند و یارانه افراد کم‌بضاعت هم چندماهی است سه برابر شده است. آنچه اکنون از سوی برخی کاندیداها مطرح می‌شود، تلاش‌های مذبوحانه برای رقابت با رقبای انتخاباتی است. حتی سه‌برابرکردن یارانه برای اقشار کم‌درآمد از سوی دولت، برای جلوگیری از هجمه‌های بی‌منطق این‌چنینی بود. همچنین وعده افزایش اشتغال در این مناظره دوباره مطرح شد. تقاضای نیروی کار که منجر به اشتغال مولد می‌شود، نوعی تقاضای مشتقه است. به این معنا که انشقاق از تولید به رشد اقتصادی، موجب افزایش تقاضا و به‌تبع آن، افزایش نیروی کار می‌شود. در رشد اقتصادی نیاز به عوامل تولید مانند نیروی کار، سرمایه، زمین و... داریم. اگر نسبت عوامل تولید و بهره‌وری آنها تغییری نکند و بخواهیم تولید ناخالص داخلی را ۲.۵ برابر کنیم، باید موجودی سرمایه و اشتغال هم ۲.۵ برابر شود. شاغلان ۲۲میلیون و ۶۰۰ هزار نفر هستند، بنابراین باید اشتغال ۵۰میلیون‌نفری داشته باشیم که چنین نیروی کاری در کشور وجود ندارد. ایجاد اشتغال سالی ۱.۵ میلیون شغل، ۲.۵برابرکردن تولید به معنای ۲.۵برابرکردن اشتغال است. بنابراین افزایش تولید ناخالص داخلی با میزان اشتغالی که کاندیدای مورد نظر بیان می‌کند، نمی‌خواند. این دو، یک تعارض ذاتی با هم دارند. بر فرض محال اگر قالیباف توانست میزان شاغلان را ۵۰ میلیون و تولید ناخالص داخلی را هم ۲.۵ برابر کند، وقفه زمانی چه می‌شود؟ قاعدتا این‌همه با هم رخ نمی‌دهد و نیازمند طی زمان است. وقتی این سرمایه‌ها به ثمر می‌رسد که دیگر دوره ریاست‌جمهوری ایشان به پایان رسیده است. اگر کاندیداهایی که این مسائل را مطرح می‌کنند، معنای این موضوعات را نفهمند، بر آنها حرجی نیست، اما اگر می‌فهمند و دروغ بگویند، این یک کلاهبرداری سیاسی است.آقایان هاشمی‌طبا و میرسلیم در مناظره راه میانه و راه عقلانیت را در پیش گرفتند. آقای هاشمی‌طبا به واسطه تجربه طولانی خود، بارها هشدار می‌داد که وعده توخالی ندهید و توقع ایجاد نکنید، دولت توان مالی آن را ندارد که این وعده‌ها را عملی کند. آقای میرسلیم هم سؤالات فنی بسیار درستی از حریفان خود می‌پرسید. آقای جهانگیری و آقای روحانی هم از عملکرد دولت دفاع می‌کردند. دو کاندیدای اصولگرا اما به نظر می‌رسید که میراث‌دار سنت احمدی‌نژاد بودند و سعی می‌کردند در پوشش جدید، راه او را ادامه دهند، البته آنها به این نتیجه رسیده‌اند که مردم یک بار از این ناحیه گزیده شده‌اند، شاید بخت با آنها یار باشد و بار دوم هم دوباره از همین ناحیه گزیده شوند.

خبر

معاون وزیر کار:

قالیباف هیچ درکی از بازار کار ندارد

• حجت میرزایی، معاون امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره اظهارات محمدباقر قالیباف، مبنی بر ایجاد ۲۰۰ هزار شغل مستقیم و ۴۰۰ هزار شغل غیرمستقیم به ازای تولید یک میلیون تن محصول پتروشیمی اظهار کرد: اگر این گفته درست باشد، با توجه به ۶۰ میلیون تن ظرفیت کنونی در صنعت پتروشیمی، باید ۲۴ میلیون نفر در این صنعت مشغول به کار می‌شدند؛ بنابراین، این ارقام و وعده‌ها نشان می‌دهد این فرد نه صنعت پتروشیمی را می‌شناسد و نه اینکه از اشتغال چیزی می‌داند و هیچ درک ابتدایی از داده‌های اشتغال و بازار کار نیز ندارد.میرزایی تصریح کرد: صنعت پتروشیمی جزء صنایع کم‌اشتغال و سرمایه‌بر است و به‌شدت نیازمند سرمایه‌گذاری بالاست؛ یعنی یک واحد یک‌میلیون‌تنی پتروشیمی نیاز به ۲.۵ تا ۳ میلیارد دلار (۱۰ تا ۱۲ میلیارد تومان) سرمایه‌گذاری دارد و در بهترین شرایط نیز سه هزار فرصت شغلی ایجاد می‌کند.

نگاه

آیا پتروشیمی صنعتی اشتغال زاست؟

نادر جاویدپور
کارشناس پتروشیمی

• اشتغال یکی از دغدغه‌ها و خواسته‌های عمومی در هر نظام اقتصادی محسوب می‌شود. به همین اعتبار، کاملا بدیهی است که از تمام ظرفیت‌های ممکن کشور در این راستا استفاده شود. صنعت پتروشیمی به‌عنوان یکی از صنایع مادر کشور به عنوان راهکاری برای حل معضل بی‌کاری معرفی می‌شود؛ ولی آیا از دید کارشناسی چنین امکان بالقوه‌ای برای ایجاد حرکت به‌سوی افزایش اشتغال پایدار وجود دارد؟ اگر وجود داشته چرا تابه‌حال مغفول مانده و چگونه باید این توان بالقوه را به فعلیت رساند؟

در چند روز گذشته نظرات متفاوتی در این زمینه بیان شده و برخی حتی تا عدد چند صد هزار شغل به ازای هر میلیون تن را امکان بالقوه صنعت پتروشیمی دانسته و برخی هم معتقدند توان اشتغال‌زایی این صنعت نهایتا یک هزار تا دو هزار نفر به ازای هر میلیون تن افزایش تولید است. ولی کدام نظر قرین به صحت است؟ حدود دو سال پیش شرکت دیپ‌ماینه (در زمینه هوش مصنوعی) به قیمت چند میلیارد دلار به‌وسیله گوگل خریداری شد. این شرکت تنها ۱۳ کارمند داشت. آیا این سرمایه‌گذاری «اشتغال‌زا» بوده است؟ مطمئنا خیر؛ چون به تناسب سرمایه جابه‌جاشده، شغل مستقیم اندکی ایجاد شده است. ولی تأثیرات آن بر دنیای روبات‌ها یا تولید محصولات مصرفی و کالاها بر زندگی انسان‌ها تأثیر داشته است. از این دست مثال‌ها بسیار است. مورد اخیر آن، تاکسی‌های آنلاین است. به این معنا که خود این شرکت تاکسی آنلاین کارمندان زیادی ندارد، اما توانسته در بازار عرضه و تقاضا کار و خدمات حمل‌ونقل شهری تأثیری شگرف بگذارد. در صنعت پتروشیمی نیز چنین شرایطی حاکم است. نکته اصلی فراروی کسانی که چنین ادعاهایی را مطرح می‌کنند این است که ابتدا باید دانست این صنعت مولد اقتصادی بازار سرمایه است.

ادامه در صفحه ۱۵